

سازمان جهانی کار و رسالت اجرای پیام اوباما

فعالین جنبش لغو کار مزدی

یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۸

شرایط روز دنیای سرمایه داری به ویژه با طغیان موج بحران در شیرازه حیات این نظام نیاز دولتمردان همه قطب های مسلط سرمایه جهانی به ویژه امریکا و شرکای غربی او را به نقش آفرینی دولت هار و جنایتکار بورژوازی ایران بیش از پیش بالا برده است. در عراق، در افغانستان، در خلیج، در لبنان، در فلسطین، در تحکیم پایه های نظم سرمایه جهانی و اعمال این نظم بر چند میلیارد کارگر دنیا، جلب همکاری جمهوری اسلامی بیش از پیش ضرورت روز حاکمان قدر قدرت سرمایه گردیده است. همه شواهد حکایت از آن دارد که برنامه اتمی ایران از این پس به دیده اغماض نگاه خواهد شد، نقش این اختاپوس هار سرمایه در منطقه خلیج کم و بیش پذیرفته خواهد شد و خیلی کارهای دیگر صورت خواهد گرفت. پیام اوباما و مذاکرات اخیر سران ۳ به علاوه ۳ همه این مسائل را در بر دارد. اینکه روند کار چه خواهد شد، سرکشی همه تناقضات این روند چه سرنوشتی خواهد یافت و سایر مؤلفه ها و مباحث مربوط به این رویداد عجالتاً موضوع بحث این اطلاعیه کوتاه نیستند. ما بعدها مسلماً به این کار خواهیم پرداخت. هدف این چند سطر موضوع دیگری است. گفتگو بر سر نقشی است که در همین راستا از سوی قطب های قدرت سرمایه جهانی به سازمان جهانی کار و سران این نهاد مزدور نظام سرمایه داری محول گردیده است.

سازمان جهانی کار آنچنان که اقتضای رسم و سنت و فلسفه وجودی او به مثابه یک نهاد اعمال قدرت و بربریت سرمایه علیه هر جنب و جوش سوسیالیستی و ضد کار مزدی طبقه کارگر بین المللی است ریاست اجلاس سالانه خود را هر سال به یکی از دولت های سرمایه داری عضو واگذار می کند. «آی ال او» امسال این پست را به یکی و البته فقط یکی از هارترین و بربرمنشانه ترین و سفاک ترین این دولت ها سپرده است. صریح تر بگوئیم این پست را به جای احاله به نمایندگان ویژه آقای جرج بوش، تونی بلیر، سارکوزی، برلوسکونی، به رسولان خاص احمدی نژاد و ولی فقیه بورژوازی ایران حواله داده است. چرا این گونه شده است، چرا در طول سی سال گذشته این سمت به سفیران دولت اسلامی سرمایه احاله نمی گردید، چرا در برخی موارد سران «آی ال او» حتی صلاحیت این سفیران را برای حضور هم قابل گفتگو می دانستند اما اینک دولت متبوع همان سفیران را مقام خاص اصلح و ارجح برای کسب کرسی ریاست نشست سازمان جهانی کار نثار می کنند؟ چرا جمهوری اسلامی مورد انتقاد دیروزی یکباره از انتقاد مبری می گردد؟ آری اینها سؤالاتی است که شاید رفرمیست های راست سندیکالیست را گیج کند اما پاسخ آن برای هر کارگر دارای کمترین سطح شعور طبقاتی بسیار روشن است. سازمان جهانی کار مأمور است و معذور و باید فقط آن کند که سرمایه می خواهد. این سازمان هویتی معلوم الحال دارد. بخشی از ساختار نظم و قدرت سرمایه داری علیه کارگران دنیا است. سازمانی است که در دل شرایط تاریخی معینی پدید آمد تا از یکسوی هر بارقه حیات جنبش سوسیالیستی و ضد کار مزدی کارگران دنیا را زیر عرابه رفرمیسم راست سندیکالیستی از تابش باز دارد و از سوی دیگر در مجادلات روز میان دو قطب عظیم دنیای سرمایه داری به نفع

یکی و علیه دیگری دسیسه چینی کند. این سازمان پدید آمد تا در کنار ارتش و پلیس و زرادخانه های نظامی و سازمان های اختاپوسی جاسوسی سرمایه بازوی زور دیگری برای به ثمر رساندن کودتاهای کاخ سفید در امریکای لاتین و همه جاهای دیگر باشد، این سازمان به وجود آمد تا برای تضمین جاودانگی سرمایه داری تقلا و توطئه کند، برای خاکسپاری جنبش کمونیستی طبقه کارگر تلاش نماید و ترفند ببافد و بر سکوی فتوحات خود علیه کمونیسم و کارزار ضد کار مزدی توده های کارگر از سران سرمایه صله و انعام و پاداش و پست و مرتبت و موقعیت ممتاز دریافت دارد. سازمان جهانی کار پدید آمد تا پاسدار منافع قطب مسلط سرمایه در جهان باشد، مصالح و منافع این قطب را به طبقه کارگر همه کشورها دیکته کند، در این راستا به نفع این دولت یا در نقد آن دولت سرمایه اتخاذ موضع نماید و همه این دخالتگری ها را با اصل دفاع از حریم قدرت نظام سرمایه داری علیه بردگان مزدی سرمایه همساز کند. سازمان جهانی کار به وجود آمد و وجود دارد تا در اجرای اوامر مطاع و اشنگتن دست در دست اربابان کلیسا کثیف ترین مزدوران سرمایه از نوع «لخ والسا» را از پلکان قدرت سرمایه بالا برد و بر سکوی رئیس جمهوری بنشاند، تا به محض بروز تعارض میان کاخ سفید و رقبای کارگرکش و هار و درنده دیگرش بلافاصله به نفع قطب مسلط وارد میدان شود، پرچم دروغ دفاع از حقوق سندیکالیستی و حق سندیکاسازی کارگران را بلند کند و جنبش کارگری کشورها را در منجلاب مجادلات میان دولت های درنده سرمایه داری به خاک بسپارد. سازمان جهانی کار وجود دارد تا در ضمن ایفای نقش فوق به محض تغییر اوضاع و صدور دستور سران و اشنگتن حقوق سندیکائی مورد ادعای خویش برای سندیکالیست های این یا آن کشور را یکباره به بایگانی تاریخ واگذارد و دولت مورد انتقاد دیروزی را رئیس اجلاس سالانه «آی ال او گرداند»

پاسخ این سؤال که چرا سازمان جهانی کار برای سال جاری دولت هار و درنده و کارگرکش جمهوری اسلامی را به سمت رئیس نشست تعیین کرده است تا همین اندازه ساده است و نیاز به هیچ توضیحی ندارد. رئیس آی ال او باید که مجری پیام آقای اوباما باشد، اوباما بر این عقیده است که برای تضمین نظم بشرکش سرمایه داری و تحمیل آن بر بشریت کارگردنیا از جمله به توافق و تعامل با دولت بورژوازی هار ایران هم نیاز دارد. او همه جا را از پیام برای رسیدن به این تفاهم پر کرده است و سران سازمان جهانی کار مجری بی قید و شرط این پیام ها هستند. به این ترتیب آی ال او هیچ کار عجیبی نکرده است. راه همیشگی خود را رفته است. در زمان دولت آقای بوش باید به احمدی نژاد و سران دولت اسلامی انتقاد می کرد و اینک با عروج اوباما به صفا قدرت سرمایه، ندای «تغییر»!! از سوی ایشان و صدور پیام های وی به دولتمردان سرمایه در ایران باید سیاست «آی ال او» هم آن شود که حاکمان قطب مسلط سرمایه می خواهند. کاری که بسیار دقیق انجام گرفته است.

پس تا اینجا همه چیز معمولی است. آنچه اندکی غیرمعمولی به نظر می رسد شاید فحوای اطلاعیه ای باشد که از جانب برخی رفرمیست های راست صادر گردیده است. سندیکالیست های خارج کشوری به دنبال وقوع حادثه بالا حریم قدس سنت و مذهب و عرف و ایمان خویش را کمی خراش داده اند. آنان که همواره و در همه روزها سجاده و تسبیح و بساط عشق و عبادت و نیایش و سر دادن سرودهای حریرگون ملکوتی شان در بارگاه کبریائی گای رابدر و سازمان جهانی کار پهن بوده است اینک پا از مدار تقوی بیرون کشیده اند و «نعوذ بالله» به انتقاد از «آی ال او» روی نهاده اند!! سندیکالیست های راست وقوع این حادثه را آلوده شدن دامن عفاف کارگری سازمان جهانی کار به

معصیت بورژوائی تلقی نموده اند! و بلافاصله دست به کار شده اند تا از لکه دار شدن این قبله گاه مقدس سندیکالیست های عالم جلوگیری به عمل آورند. به راستی آیا برای دروغ و عوامفریبی علیه توده های کارگر هیچ مرزی نیست؟! پاسخ سندیکالیست های راست و چپ در این گذر منفی است. واقعیت این است که آنچه همیشه و مخصوصاً به دنبال وقوع حادثه بالا باید افشاء گردد نه فقط سازمان جهانی کار بلکه همین آقایان سندیکالیست خارج کشوری و همکیشان داخلی آن ها نیز هستند. سازمان جهانی کار همان است که بوده است و همان کرده است که همیشه می کرده است. اینان، این سندیکالیست های راست و چپ هستند که چند سال تمام است با توسل به هر جادو و جنبل و دروغ و شیادی تلاش کرده اند تا به کارگر ایرانی القاء کنند که گویا سازمانی جهانی کار واقعاً سازمان دفاع از حق تشکل و مبارزه ضد سرمایه داری آنان است. اینان هستند که در دشمنی و کینه و لجاج علیه جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر ایران هر امام زاده خرافه و ترفند سرمایه را نهاد منجی جنبش توده های کارگر ایران و دنیا جار زده اند. به نظر می رسد که اگر اندک صداقتی وجود داشته باشد این جماعت حداقل به دنبال وقوع حادثه بالا باید در مقابل توده های کارگر ایران عرق شرم بر جبین جاری سازند.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

آوریل ۲۰۰۹